

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

نویسنده: تی یری میسان - par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۱۸ اگست ۲۰۱۴

## جان مک کین رهبر ارکستر «بهار عرب» و خلیفه

همه به تناقض آنهایی که تا همین چندی پیش امارات اسلامی در سوریه را «مبارزان آزادی» می نامیدند و سپس اخیراً خشونت آنها را در عراق محکوم کردند، پی برده اند. با این وجود اگر چنین تحلیل هائی از انسجام درونی برخوردار نیست، ولی از دیدگاه ستراتیژیک آن را باید کاملاً منطقی تلقی کنیم: به این معنا که همین افرادی که به عنوان متحد دیروزی معرفی می شدند، می بایستی به عنوان دشمنان امروزی معرفی شوند، حتی اگر هر دو گوش به فرمان واشینگتن باشند. تی یری میسان در اینجا پشت پرده سیاست ایالات متحده را فراسوی جان مک کین John McCain سناتور امریکائی به عنوان رهبر ارکستر «بهار عرب» و مخاطب دیرینه خلیفه ابراهیم را مورد بررسی قرار می دهد.

شبکه ولتر | دمشق (سوریه)



آیا بارک اوباما و جان مک کین آنگونه که ادعا می کنند، رقیبان سیاسی یک دیگراند و یا این که هر دو برای پیشبرد ستراتیژی امپریالیستی کشورشان همکاری می کنند؟

جان مک کین به عنوان رهبر جمهوری خواهان، نامزد ناموفق ریاست جمهوری ایالات متحده در سال ۲۰۰۸ شناخته شده است. چنین امری، چنان که خواهیم داد، تنها بخشی از زندگینامه واقعی او را روایت می کند، یعنی آن بخشی که به مثابه پرده حائل برای هدایت طرح های سرّی به نام دولت به کار می برد.

وقتی در لیبیا به سر می بردم، طی حمله غربی ها، این فرصت را یافتم تا به یکی از گزارشات سرویس اطلاعات خارجی دسترسی پیدا کنم و آن را بخوانم. در این گزارش نوشته شده بود که روز ۴ فیبروری ۲۰۱۱ ناتو برای راه اندازی «بهار عرب» در لیبیا و سوریه، در قاهره گردهمائی برگزار کرده است. بر اساس پرونده ای که در اختیار داشتم، ریاست این گردهمائی به عهده جان مک کین بوده است. این گزارش نام شرکت کنندگان لیبیائی را در فهرست آورده بود. نماینده گروه لیبیا محمود جبریل مرد شماره ۲ دولت لیبیا در آن دوران بود که به محض ورود به این گردهمائی با تغییر جبهه ناگهانی به رئیس اپوزیسیون در تبعید تبدیل می شود. به یاد می آورم که بین نمایندگان فرانسوی حاضر در این گردهمائی، نام برنارد هانری لوی Bernard-Henry Lévy نیز در فهرست نوشته شده بود. اگر چه باید یادآور شوم که برنادر هانری لوی هرگز هیچ مقامی در بطن دولت فرانسه نداشته است. شخصیت های دیگری در این گردهمائی حضور داشتند، از جمله بین گروه نمایندگی سوریه نیز نام تعداد کثیری از سوری های مقیم خارج در فهرست دیده می شد.

پس از خروج از این گردهمائی، یک حساب کاربری اسرار آمیز در فیس بوک به نام «انقلاب سوریه ۲۰۱۱» برای تظاهرات مقابل شورای مردم (مجلس ملی) در دمشق، روز ۱۱ فیبروری، فراخوان صادر کرد. اگر چه این حساب کاربری مدعی شده بود که ۴۰۰۰۰ نفر آن را پی گیری می کنند، تنها حدود ده تا دوازده نفر در مقابل جمع عکس برداران و صدها پولیس حاضر شدند. تظاهرات به شکل مسالمت آمیز پراکنده شد، و البته برخوردها یک ماه و اندی بعد در عا آغاز گردید(۱).

در ۱۶ فیبروری ۲۰۱۱، تظاهراتی که به مناسبت کشتار اعضای گروه مبارز اسلامی در لیبیا (۲) سال ۱۹۹۶ در زندان ابو سلیم برپا شده بود، در بنغازی به تیراندازی انجامید. فردای آن روز، دومین تظاهرات نیز به تیراندازی انجامید، و این بار تظاهرات به یادبود افرادی راه اندازی شده بود که در حمله به سفارت دانمارک برای اعتراض علیه کاریکاتور محمد کشته شده بودند. در همین موقع، اعضای گروه مبارز اسلامی در لیبیا که از مصر آمده بودند، کاکول به سر و به شکل ناشناس در آن واحد به چهار پایگاه نظامی در چهار شهر مختلف حمله کردند. پس از سه روز نبرد و ارتکاب به جنایات خشونت بار، شورشیان قیام سیرنیاک علیه طرابلس را اعلام کردند (۳)، یعنی حمله تروریستی که رسانه های غربی با دروغ پردازی به عنوان «انقلاب دموکراتیک» علیه «رژیم» معمر قذافی معرفی کردند.

در ۲۲ فیبروری جان مک کین در لبنان بود. او با اعضای «کوران آینده» (حزب سعید حریری) ملاقات کرد و به آنها مأموریت داد تا ارسال اسلحه به سوریه را پیرامون نماینده مجلس عقاب صقر (۴) نظارت کنند. سپس بیروت را ترک کرد، او به بازدید مرز سوریه پرداخت و دهکده هائی را برگزید، به ویژه دهکده عرسال که می بایستی برای مزدوران مسلح در جنگ آینده به عنوان پایگاه پشت جبهه به کار بسته شود.

گردهمائی هائی که به ریاست جان مک کین تشکیل شد، به روشنی چیزی نبود به جز آغازی برای اجرای نقشه ای که از مدتها پیش توسط واشینگتن طرح ریزی شده بود، یعنی طرح جنگی که مطابق بر دکترین «رهبریت در پشت صحنه» و به انضمام معاهده لانکستر هاوس Lancaster House در نومبر ۲۰۱۰ (۵) می بایستی هم زمان علیه لیبیا و سوریه توسط بریتانیا و فرانسه به اجرا گذاشته شود.

### سفر غیر قانونی به سوریه در ماه می ۲۰۱۳

در ماه می ۲۰۱۳ سناتور مک کین به شکل غیر قانونی از راه ترکیه، به نزدیکی شهر ادلب در سوریه رفت تا با رهبران «اپوزیسیون مسلح» ملاقات کند. مسافرت او تنها پس از بازگشت به واشینگتن به شکل رسمی اعلام شد(۶).

این سفر توسط *Syrian Emergency Task Force* سازماندهی شده بود که خلاف عنوان آن یک سازمان صهیونیستی است که توسط یک کارمند فلسطینی از کمیته روابط عمومی امریکا و اسرائیل (AIPAC) اداره می شود(۷).



**جان مک کین در سوریه. جلوی صحنه سمت راست، رئیس Syrian Emergency Task Force را می بینیم. فردی که در چهار چوب ورودی ایستاده، در مرکز عکس، محمد نور است.**

روی عکس های منتشر شده در آن دوران، تصویر محمد نور را می توانیم ببینیم، او سخنگوی بریگاد طوفان شمال است (جبهه النصره، یعنی القاعده در سوریه) که ۱۱ زائر شیعه لبنانی را در اعزاز گروگان گرفته بود(۸). سناتور در پاسخ به مناسباتش با گروگان گیر و عضو القاعده اظهار داشت که او را نمی شناسد و گویا که او به دعوت خودش در آنجا حضور داشته است.

موضوع آدم ربائی سر و صدای زیادی به پا کرد و خانواده های زائران ربوده شده به دادگستری لبنان علیه سناتور مک کین به دلیل همکاری با آدم ربایان شکایت کردند. سرانجام، توافقاتی صورت گرفت و زائران ربوده شده آزاد شدند.

فرض کنیم که اظهارات سناتور مک کین حقیقت داشته و محمد نور از او سوء استفاده کرده است. هدف از مسافرت غیر قانونی او به سوریه ملاقات با ستاد فرماندهی ارتش آزاد سوریه بوده، و به گفته او این سازمان «اکیداً از سوری ها» تشکیل شده و برای «آزادیشان» علیه «دیکتاتور علوی» مبارزه می کنند. ولی بی گمان آنهایی که در سازماندهی این مسافرت شرکت داشته اند چنین عکسی را برای تأیید ملاقاتی که واقعاً صورت گرفته منتشر کرده اند.



جان مک کین و ستاد فرماندهی ارتش آزاد سوریه. در جلوی صحنه سمت چپ، ابراهیم البدری نشسته و سناتور با او در حال حرف زدن است. فرد بعدی، با عینک، بریگادیه جنرال سلیم ادريس است.

با وجود این که بی هیچ ابهامی می توانیم ارتشید سالم ادريس، فرمانده ارتش آزاد سوریه را در عکس ببینیم، و در عین حال ابراهیم البدری را نیز در جلوی صحنه ببینیم که سناتور مک کین با او حرف می زند. در بازگشت از این سفر مک کین شگفت زده اظهار داشت که تمام مسؤولان ارتش آزاد سوریه «میانہ رو هستند و می توانیم به آنها اعتماد کنیم».



بنابراین سند، از ۴ اکتبر ۲۰۱۱، نام ابراهیم البدری و الیاس ابو دعا در فهرست ۵ تروریستی به ثبت رسیده که بیش از همه تحت پیگرد ایالات متحده هستند (Justice Rewards for). جایزه ای معادل ۱۰ میلیون دلار به فردی تعلق خواهد گرفت که بتواند به دستگیری او یاری رساند (۹). فردای آن روز، ۵ اکتبر ۲۰۱۱، نام ابراهیم البدری در فهرست کمیته مجازات های سازمان ملل متحد به عنوان عضو القاعده به ثبت رسید (۱۰).

علاوه بر این، یک ماه پیش از پذیرایی از سناتور مک کین، ابراهیم البدری، با نام مستعار ابوبکر البغدادی، دولت اسلامی در عراق و شام را تشکیل داد — هم زمان که عضو ستاد فرماندهی — بسیار «میانہ رو» — ارتش آزاد سوریه باقی مانده بود — او عملیات حمله به زندان های تاج و ابو غریب در عراق را رسماً به عهده گرفت و ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر از جهاد طلبان زندانی را فراری داد که بعداً به سازمان او پیوستند. این حمله در هماهنگی و تقریباً هم زمان با عملیات های دیگری در هشت کشور دیگر صورت گرفت و هر بار جهاد طلبان فراری به سازمان های

مبارزان در سوریه پیوستند. این موضوع به اندازه ای شگفت آور بود که پولیس بین الملل پیغامی برای ۱۹۰ کشور عضو فرستاد و درخواست کمک کرد (۱۱).

من به سهم خودم، همیشه بر این باور بودم که عملاً هیچ تفاوتی بین ارتش آزاد سوریه، جبهه النصره، امارات اسلامی و غیره وجود ندارد. تمام این سازمان ها از افرادی تشکیل شده که دائماً پرچمشان را عوض می کنند. وقتی خودشان را عضو ارتش آزاد سوریه معرفی می کنند، زیر پرچم دوران استعمار فرانسه از واژگونی «بشار سگ» حرف می زنند. وقتی خود را به عنوان عضو جبهه النصره معرفی می کنند، پرچم القاعده را به دست می گیرند و اعلام می کنند که خواهان گسترش اسلام در جهان هستند. و یا وقتی خود را امارات اسلامی می نامند، پرچم خلیفه را به اهتزاز در می آورند و اعلام می کنند که منطقه را از تمام ناهلان پاک خواهند کرد. ولی هر نامی که داشته باشند نوع ارتکاب به عمل آنها یکسان است: تجاوز، شکنجه، بریدن سر، به صلیب کشیدن.

با این وجود، نه سناتور مک کین، نه همراهان او از *Syrian Emergency Task Force* در مورد آنچه از ابراهیم البدری می دانستند، وزارت خارجه را مطلع نساختند و جایزه تعیین شده را نیز درخواست نکردند. آنها حتی کمیته ضد تروریست سازمان ملل متحد را نیز از آنچه می دانستند مطلع نکردند.

در هیچ یک از کشورهای جهان، با هر رژیم سیاسی، برای هیچ کس قابل قبول نخواهد بود که رهبر اپوزیسیون رابطه دوستانه و رسمی با تروریست بسیار خطرناکی باشد که در پی گرد پولیس بین الملل به سر می برد.

### سناتور مک کین کیست ؟

ولی جان مک کین نه تنها رهبر اپوزیسیون سیاسی رئیس جمهور اوباما است، بلکه یکی از کارمندان عالی رتبه می باشد !

در واقع او رئیس نهاد بین المللی جمهوری خواهان (Institute International Republican)، شاخه جمهوری خواه بنیاد ملی برای دموکراسی/سیا (NED/CIA) (۱۲)، از جنوری ۱۹۹۳ می باشد. این به اصطلاح «سازمان غیر دولتی» رسماً توسط رونالد ریگان برای گسترش برخی فعالیت های سازمان سیا در رابطه با سرویس های مخفی بریتانیایی، کانادایی و استرالیایی ایجاد شد. خلاف اظهاراتش این نهاد یک آژانس مابین دولتی است. بودجه آن نیز توسط کنگره در ردیف بودجه مرتبط به وزارت امور خارجه به تصویب رسیده است.

و به همین علت که این آژانس در پیوند با آژانس مخفی انگلو ساکسون می باشد، چندین دولت در جهان فعالیت آن را در کشور هایشان ممنوع اعلام کرده اند.



متهم به تدارک واژگون سازی رئیس جمهور حسنی مبارک به حساب اخوان المسلمین، دو نفر از کارمندان نهاد بین المللی جمهوری خواه در قاهره، جان تاملازوسکی John Tomlaszewski (نفر دوم سمت راست) و سام لاهود Sam LaHood (پسر وزیر حمل و نقل امریکا و لبنان، از جبهه دموکرات ری لاهود Ray LaHood) (نفر دوم سمت چپ) به سفارت امریکا پناهنده شدند. هر دو نفر را کنار جان مک کین و لیندسی گراهام Lindsey Graham در گردهمایی تدارکات مقدماتی «بهار عرب» برای لیبیا و سوریه می بینیم. آنها توسط برادر محمد مرسی در زمانی که به ریاست جمهوری رسید، آزاد شدند.

فهرست مأموریت های جان مک کین برای وزارت امور خارجه براستی شگفت آور است. او در تمام انقلاب های رنگی بیست سال گذشته حضور فعال داشته است.

چند مثال در اینجا کافی خواهد بود، همیشه به نام آرمان «دموکراسی» او، جان مک کین کودتا علیه رئیس جمهور قانونی هوگو چاوز Hugo Chávez در ونزوئلا را سازماندهی کرد که البته با شکست روبه رو شد (۱۳)، واژگون کردن رئیس جمهور قانونی ژان برتراند آریستید Jean-Bertrand Aristide در هائیتی (۱۴)، تلاش برای سرنگونی رئیس جمهور قانونی موای کیبکی Mwai Kibaki در کنیا (۱۵) و اخیراً کودتا علیه رئیس جمهور قانونی اوکراین، ویکتور اینوکویچ Viktor Ianoukovytch را سازماندهی کرد.

در هر دولتی در جهان، وقتی شهروندی با ابتکار عمل برای سرنگونی دولت دیگری اقدام می کند، در صورتی که رژیم تازه خود را متحد نشان دهد، آن فرد می تواند انتظار تشویق و تبریکات ویژه داشته باشد، ولی اگر نتایج اقدامات او برای کشورش مضر تشخیص داده شود، چنین امری می تواند موجب محکومیت او شود. ولی سناتور مک کین هرگز به خاطر فعالیت های ضد دموکراتیکش علیه دولت های دیگر و در جاهایی که با شکست روبه رو شده و نتیجه کار علیه واشینگتن کمانه کرده، مورد نکوهش قرار نگرفته است. به عنوان مثال، در ونزوئلا. برای ایالات متحده، جان مک کین خیانتکار نیست ولی یک مأمور است.

و مأموری که از بهترین پوشش باورنکردنی برخوردار است: او اپوزیسیون رسمی بارک اوباما تلقی می شود. به همین عنوان، او می تواند به هر کجای جهان مسافرت کند (او پر سفر ترین سناتور امریکا است) و می تواند بی آن که بیمی به خود راه دهد با هر کسی که بخواهد ملاقات کند. اگر مخاطبان او سیاست واشینگتن را تأیید کنند، او نیز تداوم آن را تضمین می کند، و اگر با سیاست امریکا مخالف باشند، در این صورت مسؤولیت آن را به رئیس جمهور اوباما نسبت می دهد.

جان مک کین شهرت خاصی دارد زیرا در کوران جنگ ویتنام طی ۵ سال به عنوان اسیر جنگی در زندان به سر برده و تحت شکنجه قرار گرفته بوده است. او قربانی برنامه ای بود که هدف آن نه کسب اطلاعات بلکه تزیق یک گفتمان بود. برنامه می بایستی به تغییر شخصیت او بینجامد و علیه کشور خود حرف بزند.

این برنامه از الگوی کوریا برای بنیاد تحقیق و توسعه Rand Corporation توسط پروفیسور البرت بیدرمن Albert D. Biderman برای دکتر مارتین سلیمان Seligman Martin (16) در پژوهش هایی که روی زندانیان گوانتانامو و زندان های دیگر انجام گرفت به کار برده شد. این پژوهش ها روی ۸۰۰۰۰ زندانی در زمان جرج بوش انجام گرفت، و موجب تحولاتی نزد زندانیان («موش های آزمایشگاهی») شد که بعداً به سربازانی حاضر به خدمت برای واشینگتن تبدیل شدند. جان مک کین که در ویتنام از پا درآمده بود، خیلی خوب این موضوع را درک می کند. او می داند چگونه می توان روح و روان جهاد طلبان را دستکاری کرد، بی آن که به امور اخلاقی و وجدان آگاه فکر کنیم.

## ستراتژی ایالات متحده در رابطه با جهاد طلبان در شامات کدام است ؟

سال ۱۹۹۰، ایالات متحده تصمیم گرفت که عراق، متحد قدیمی خود را تخریب کند. پس از آن که به رئیس جمهور وقت عراق صدام حسین القاء کرده بود که حمله به کویت از دیدگاه ایالات متحده یک موضوع داخلی عراق تلقی می شود، از همین موضوع برای تشکیل و بسیج اتحادیه ای علیه عراق استفاده کرد. با این وجود، به دلیل مخالفت اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی رژیم را سرنگون نکرد و به برقراری منطقه ممنوعه پرواز بسنده نمود.

سال ۲۰۰۳، مخالفت فرانسه برای تحت تأثیر قرار دادن کمیته آزاد سازی عراق کافی نبود. ایالات متحده دوباره به این کشور حمله کرد و این بار رژیم صدام حسین را سرنگون کرد. البته، جان مکین یکی از مسئولان اصلی کمیته آزاد سازی عراق بود. پس از واگذاری مأموریت تخریب عراق به یک شرکت خصوصی (۱۷) تلاش کرد تا کشور را به سه دولت تجزیه کند، ولی به دلیل مقاومت مردم مجبور شد که از این طرح قطع نظر کند.

سال ۲۰۰۷، دوباره برای اجرای همین طرح پیرامون قطعنامه بیدن- برانک Biden-Brownback تلاش کرد ولی دوباره با شکست روبه رو شد (۱۸). به همین علت برای دستیابی به این هدف یعنی تجزیه عراق به سه دولت مستقل، ستراتیژی دیگری را به کار بستند، که همین ستراتیژی کنونی است یعنی به کار بستن عوامل غیر دولتی مانند امارات اسلامی.



در این پرونده که در سپتامبر ۲۰۱۳ منتشر شده، سفیر قطر در طرابلس وزارت امور خارجه اش را آگاه می سازد که یک گروه ۱۸۰۰ نفره از افریقانی ها برای جهاد آموزش دیده اند و در لیبیا به سر می برند. او پیشنهاد می کند که آنها را در سه گروه به ترکیه بفرستند و سپس به امارات اسلامی به سوریه گسیل شوند.

عملیات از مدت ها پیش از ملاقات جان مک کین با ابراهیم البدری تدارک دیده شده بود. گزارشات داخلی وزارت امور خارجه قطر که توسط دوستان من جیمز و یوان موریرتی (۱۹) منتشر شده نشان می دهد که ۵۰۰۰ جهاد طلب با سرمایه گذاری قطر در لیبیا زیر نظر ناتو در سال ۲۰۱۲ آموزش دیده اند، و در همان دوران دو و نیم میلیون دالر نیز به حساب خلیفه واریز شده است.

در جنوری ۲۰۱۴، کنگره ایالات متحده طی یک گردهمایی سرّی، و با نقض حقوق بین الملل، برای تأمین مالی جبهه النصره (القاعده) و امارات اسلامی در عراق و شام تا سپتامبر ۲۰۱۴ رأی داد (۲۰). اگر چه از محتوای توافقات این جلسه سرّی که آژانس رویترز (۲۱) پرده از آن برداشته است، اطلاعی نداریم، و هیچ یک از رسانه ها

نیز شهامت عبور از سانسور را نیافتند، ولی به احتمال زیاد بخشی از آن مرتبط است به ارسال سلاح و آموزش جهاد طلبان.

عربستان سعودی مفتخر از این بودجه ایالات متحده روی شبکه رسمی تلویزیون، ال عربی اعلام کرد که امارات اسلامی تحت فرماندهی شاهزاده **عبدالرحمان آل فیصل**، برادر شاهزاده سعود آل فیصل (وزیر امور خارجه) و شاهزاده ترکی الفیصل (سفیر عربستان سعودی در ایالات متحده و در انگلستان) اداره می شود (۲۲).

امارات اسلامی مرحله تازه ای را در زمینه مزدوران مسلح تجربه می کند. خلاف گروه های جهاد طلبی که در افغانستان، بوسنی هرزگوین و در چچنی پیرامون اسامه بن لادن جنگیدند، نیروی موقتی یا کمکی نیستند، بلکه یک ارتش کامل را تشکیل می دهند. به عکس گروه های پیشین در عراق، لیبیا و سوریه پیرامون شاهزاده بندر بن سلطان، خدمات اطلاعاتی پیشرفته در اختیار دارند و کارمندان اداری برای امور مدنی که از فارغ التحصیلان مدارس بزرگ غربی بوده و می توانند امور اداری تمامی منطقه را به عهده بگیرند.

سلاح های اوکرائینی کاملاً نو توسط عربستان سعودی خریداری شده و به همکاری سرویس های مخفی ترکیه به امارات اسلامی تحویل داده شده است. آخرین جزئیات طی گردهمایی در عمان با خانواده بارزانی در اول ماه جون ۲۰۱۴ هم‌آهنگ شد (۲۳). حمله مشترک علیه عراق توسط امارات اسلامی و دولت محلی کردستان چهار روز بعد آغاز گردید. امارات اسلامی بخش سنی کشور را تصرف کرد، و دولت محلی کردستان نیز بیش از ۴۰٪ مرز خود را گسترش داد. اقلیت های مذهبی به خاطر اعمال خشونت بار و جنایات هولناک جهاد طلبان، مناطق سنی نشین را ترک کردند و گریختند، و بر این اساس بود که مقدمات تجزیه عراق به سه کشور فراهم آمد.

پنتاگون با نقض قرارداد دفاع عراق- ایالات متحده، و عدم مداخله برای دفاع از تمامیت عراق، دست امارات اسلامی را برای فتوحات و کشتارهایش باز گذاشت.

یک ماه بعد، در حالی که پیشمرگان دولت محلی کردستان بی آن که در نبردی درگیر شده باشند عقب نشینی کردند، و وقتی هیجان و احساسات عمومی در سطح جهانی قویاً تحریک شده بود، رئیس جمهور اوباما دستور داد که مواضع امارات اسلامی را بمباران کنند. با این وجود، به گفته جنرال ویلیام میویل *Mayville William* فرمانده عملیات های ستاد فرماندهی «این بمباران ها به ندرت بتواند قابلیت های کلی امارات اسلامی و فعالیت هایش را در دیگر مناطق عراق یا سوریه مورد اصابت قرار دهد» (۲۴).

روشن است که آنها ارتش جهاد طلبان را هدف نمی گیرند، و تنها روی مرزهایی که از پیش ترسیم کرده اند نظارت می کنند تا بازیگران منطقه از این مرزهایی که برای آنها تعیین شده پا فراتر نگذارند. در نتیجه، در حال حاضر بمباران ها تنها نمادینه است و به جز تعداد اندکی خودرو چیز دیگری هدف گرفته نشده است. در واقع مداخله کردهای حزب کار کردستان ترکیه و سوریه بودند که مانع پیشروی امارات اسلامی شدند و راهی را برای آنهائی که از قتل عام می گریختند ایمن سازی کردند.

تبلیغات پیرامون امارات اسلامی و خلیفه آن جریان دارد. روزنامه گلف دیلی نیوز *Gulf Daily News* مدعی شد که ادوارد سنودن *Edward Snowden* مطالبی در این مورد منتشر کرده است (۲۵). در نتیجه تحقیقات بعدی آشکار شد که جاسوس امریکائی (ادوارد سنودن) هیچ مطلبی در این مورد منتشر نکرده است. گلف دیلی نیوز در بحرین منتشر می شود، دولتی که تحت اشغال گروه های نظامی سعودی به سر می برد. مقاله منتشر شده تنها در پی پاک سازی پرونده عربستان سعودی و شاهزاده عبدالرحمان آل فیصل و مسؤولیت های آنها بوده است.



امارات اسلامی با ارتش های مزدور قرن شانزدهم اروپا قابل مقایسه است. مزدوران مسلح در جنگ های مذهبی به حساب اربابان می جنگیدند، گاهی در این جبهه و گاهی در جبهه دیگر. **خلیفه ابراهیم** یک مزدور مسلح دوران مدرن است. اگر چه او در کنار شاهزاده عبدالرحمان (عضو قبیله سدیری ها) است، جای شگفتی نیست که او حماسه خود را در عربستان سعودی ادامه می دهد (پس از گشت مختصری در لبنان، حتی در کویت) و بر این اساس به نفع جانشینی سلطنتی قبیله سدیری ها علیه شاهزاده میتاب Mithab (پسر شاه عبدالله) عمل می کند.

## جان مک کین و خلیفه



**ابراهیم البدری، الیاس ابودعا، الیاس ابو بکر آل بغدادی، الیاس خلیفه ابراهیم، مزدور مسلح شاهزاده عبدالرحمان آل فیصل، که توسط عربستان سعودی، قطر و ایالات متحده تأمین مالی می شود. او می تواند تمام اعمالی را که منشور ژنیو در رابطه با دولت ها به عنوان جنایت و شقاوت شناسایی کرده است، زیر پا بگذارد.**

در آخرین مجله ای که منتشر شده، امارات اسلامی دو صفحه را به سناتور مک کین اختصاص داده و او را «دشمن» و «صلیبی» نامیده و حمایت او را در اشغال عراق توسط ایالات متحده یادآور شده است. از بیم آن که این اتهام در ایالات متحده ناشناخته بماند، سناتور فوراً بیانیه ای منتشر کرد و امارات اسلامی را به عنوان «خطرناکترین گروه تروریسم اسلامی در جهان» معرفی نمود (۲۶).

این دعوا تنها برای سرگرم کردن عمومی است. دوست داشتیم به آن باور کنیم...تنها اگر آن عکس از دوران می ۲۰۱۳ را نمی داشتیم.

## یادداشت ها:

(۱) ما گزارشی فرستادیم مبنی بر این که تظاهرات اعتراضی در درعا تظاهراتی اعتراضی از سوی دانش آموزان دبیرستان، پس از بازداشت و شکنجه محصلینی راه اندازی شده بود که علیه جمهوری شعار داده بودند. در نتیجه، بسیاری از همکاران ما سعی کردند هویت این دبیرستانی ها را کشف کنند و با خانواده های آنها تماس بگیرند. ولی هیچ یک از آنها در این تلاش توفیقی به دست نیاوردند، تنها شاهدانی که وجود داشتند با رسانه های بریتانیایی مصاحبه کرده بودند و این مصاحبات نیز به شکل ناشناس انجام گرفته بود، و با توجه به چنین شرایطی گزارشات

قابل بررسی نبود. ما امروز مطمئن هستیم چنین رویدادی هرگز وجود خارجی نداشته است. بررسی پرونده های سوری مرتبط به آن دوران نشان می دهد که در واقع تظاهراتی به راه افتاده ولی برای درخواست افزایش حقوق کارمندان و بازنشستگان صورت گرفته. فراخواستی که در این تظاهرات مطرح شده از سوی دولت پاسخ مثبت دریافت کرده است. در این دوران هیچ روزنامه ای از تظاهرات دبیرستانی ها مطلبی منتشر نکرده، و این داستان دو هفته بعد، تنها از تخیل شبکه الجزیره تراوش کرده است.

۲) اعضای گروه مبارزان اسلامی در لیبیا، یعنی القاعده در لیبیا، تلاش کرده بودند که معمر قذافی را برای حساب ام آی ۶ بریتانیا به قتل برسانند. این موضوع از سوی یک افسر ضد جاسوسی بریتانیا افشاء شد. دیوید شایلر David Shyler. «دیوید شایلر : من از خدمت در سرویس مخفی بریتانیا استعفاء دادم، چون که ام آی ۶ تصمیم گرفته بود که آدمکشان عضو گروه اسامه بن لادن را تأمین مالی کند» (شبکه ولتر ۱۸ نوامبر ۲۰۰۵).

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(1

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(2

<http://www.voltairenet.org/article176853.html>(3

4) «نماینده مجلس لبنان قاچاق اسلحه به سوریه را هدایت می کند»، شبکه ولتر، ۵ دسامبر ۲۰۱۲

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(5

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(6

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(7

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(8

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(9

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(10

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(11

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(12

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(13

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(14

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(15

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(16

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(17

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(18

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(19

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(20

ایالات متحده، نخستین پشتیبان امور مالی تروریسم در جهان

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(21

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(22

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(23

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview)(24

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview\(25](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview(25)

[http://www.voltairenet.org/article185073.html?var\\_mode=preview\(26](http://www.voltairenet.org/article185073.html?var_mode=preview(26)

گاہنامہ ہنر و مبارزہ

۱۷ اگست ۲۰۱۴

**John McCain, le chef d'orchestre  
du « printemps arabe », et le Calife**